

نگرشی انتقادی به آینده فمینیسم با نگاهی راهبردی به جامعه ایران

شکوفه شکرپیگی*

محمد رعایت چهرمی**

چکیده

از آنجا که به تبع تغییر ماهیت و کارکرد دین در عرصه‌های اجتماعی غرب، غالب دعاوی فمینیسم، برآمده از سکولاریسمی است که دین‌گریزی یا در ظهوری افراطی‌تر، دین‌ستیزی و فروکاسته شدن دین به گزاره‌های اخلاقی را در پی داشته و دارد لذا در رویکردی آینده‌پژوهانه و انتقادی، تشدید مواردی چون آزادی روابط جنسی، قانونی شدن همجنس‌گرایی، فروپاشی بنیان خانواده و نیز کاهش ازدواج و افزایش طلاق، در زمره مهمترین چالشها و آسیب‌های فراروی فمینیسم در غرب محسوب می‌شوند. چراکه فمینیست‌های غربی نه تنها متن و آموزه‌های کتاب مقدس به عنوان نقطهٔ اجماع و وحدت مذاهب مسیحی را به‌گونه‌ای آشکار، کنار نهادند، بلکه به رویارویی با آن برخاستند. این در حالی است که تاکید بر فطرت الهی به عنوان اصل مشترک و ضروری ادیان آسمانی، می‌تواند جایگاهی کلیدی در سیاست‌گذاری حوزه زنان در غرب مسیحی داشته باشد. درخصوص جامعه ایران نیز، آینده مطلوب زن و خانواده در گرو واگرایی از مبانی فمینیسم و نیل به آرمان مرد علوی و زن فاطمی است. از این روست که ضرورت دارد درون‌مایه‌های وارداتی فمینیستی، بر مبنای آموزه‌های ارزشی و اعتقادی، پالایش شده و بازتفسیر شوند تا از این رهگذر، سیاست‌گذاری حوزه زنان، حول محور مردم‌سالاری دینی شکل گرفته و استحاله فرهنگی رخ ندهد. در نوشتار حاضر، ضمن گسترش تفصیلی بحث‌های یادشده، مبانی فمینیسم در غرب در رویکردی آینده‌پژوهانه مورد نقادی قرار گرفته و در ادامه، ضمن بررسی سناریوهای مرتبط با حوزه زنان در ایران و تبیین سناریوی مطلوب، راهبردهایی برای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری حوزه زنان در ایران، ارائه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: نقادی فمینیسم، زن در بالاترین طراز زن اسلامی، ایران، اسلام

* کارشناس ارشد فلسفه، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، (نویسنده مسئول)

Sh.shekarbaigi@edu.ikiu.ac.ir

Raayatjahromi@hum.ikiu.ac.ir

** استادیار گروه فلسفه، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۱۳

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره نودوسه، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۸۰-۱۶۵

مقدمه

فمینیسم را ذاتاً باید زیرمجموعه‌ای دانست برای هر ایدئولوژی مذهبی یا غیرمذهبی غربی دیگر (Offen, 1988: 150). به‌طور معمول، اندیشه‌های فمینیستی در غرب در قالب سه موج دسته‌بندی می‌شوند که عبارتند از:

- موج نخست که به آن موج قدیم نیز گفته می‌شود، مربوط به سالهای ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۰ است. این جریان فکری و اجتماعی در پی ایجاد تساوی بین حقوق زنان و مردان بود؛

- موج دوم، تحت تأثیر جریان‌های سیاسی چپ نو، با شعارهای آزادی‌بخشی و مبارزه با ظلم و ستم شکل گرفت. در این دوره، افزون‌بر حوزه عمومی، از حوزه خصوصی و زندگی شخصی نیز سخن به‌میان آمد؛

- موج سوم هم که از آغاز دهه ۱۳۹۰ مطرح شد، تفاوت‌های جنسیتی بین زن و مرد را به‌عنوان اموری پیچیده و متغیر و فراتر از ساختارهای جسمی و بدنی می‌دید. موج سوم به تنوع، تکثر، و تعدد، و رفع هرگونه تبعیض و نابرابری گرایش داشت.

در تعبیری کلی، فمینیست‌ها در دفاع از مسائل اجتماعی و سیاسی، استقلال اقتصادی، مسئله حق مالکیت، و بالا بردن اعتمادبه‌نفسشان مشارکت پررنگی دارند، زیرا مناسبات اقتصادی را در تعیین سرنوشت خود دخیل می‌دانند (اعزازی، ۱۳۸۵، ۲۴۹)، اما بسیاری از آنان، راه افراط را درپیش گرفته‌اند و با اینکه از آغاز، خواهان حقوق برابر و مساوی با مردان بودند، ولی در جریان این جنبش، زنان را برتر از مردان دانسته و مرتکب اشتباه می‌شوند؛ از این روست که غالب جنبش‌های

فمینیستی در غرب، درگیر ادعاهای نادرست و ناموجهی مانند آزادی سقط جنین، منع ازدواج، آزادی روابط جنسی، و قانونی کردن همجنس‌بازی شده‌اند. لذا بسیاری از آرمان‌ها و دستاوردهای فمینیسم در رویارویی مستقیم یا غیرمستقیم با آموزه‌های کتاب مقدس و کلیسا هستند (McGrath & Marks, 2004: 333). چرا که نهضت اصلاح دینی، زنجیره اتصال انسان غربی با آسمان را قطع نمود و کارکرد دین را به امری شخصی، عرفی و دنیوی تقلیل داد. این پدیده تاثیر شگرفی بر دعاوی نادرست فمینیست‌ها داشت.

در این نوشتار دو رهیافت را دنبال خواهیم کرد؛ ابتدا، نقادی همین رویه فمینیستی در غرب و تشریح چالش‌ها و آسیب‌های آن. سپس به جامعه ایران خواهیم پرداخت که با عنایت به زیرساخت‌های عمیق اعتقادی و ارزشی، تعبیر فمینیسم با آن بیگانه بوده و پذیرفتنی نیست. زیرا فمینیسم، جویای سبک خاصی از زندگی زن در غرب است که به دنبال نهضت اصلاح دینی، از دین، شریعت‌زدایی کرده و با الگوی زن مسلمان در چارچوب سبک زندگی ایرانی-اسلامی که شریعت‌محور است نه شریعت‌زدا یا شریعت‌گریز، در تضاد کامل است. لذا ضمن بررسی رویدادها و روندها در قالب رویکرد آینده‌پژوهانه و نیز سناریوهای مرتبط با جامعه ایران، راهبردهای مختلف پیرامون سیاست‌گذاری درست در حوزه زنان را بررسی خواهیم کرد.

۱. چالش‌ها و آسیب‌های فمینیسم با رویکردی به چالش‌های آینده آن

غالب فمینیست‌ها، خواسته‌های ناموجهی دارند که البته در جامعه غرب نیز برخی از این خواسته‌ها پذیرفته شده نیست و با واکنش‌های تندی روبه‌رو شده است. موارد زیر از جمله این خواسته‌ها هستند:

- مجاز بودن سقط جنین؛
- تشویق به مجرد زنان؛
- قانونی کردن روابط همجنس‌بازان؛
- آزادی روابط جنسی (طالبی، ۱۳۸۴: ۲۱۱-۱۷۵).

بی‌تردید می‌توان گفت، موارد بالا پیامدهای منفی و سنگینی داشته‌اند که

برخی از آن‌ها عبارتند از:

- انکار ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی؛
- فروپاشی بنیان خانواده؛
- ناسازگاری و فقدان تفاهم میان مردان و زنان؛
- فرزندان تک‌سرپرست؛
- فحشا و همجنس‌بازی؛
- فساد ناشی از حضور بی‌پروای زن در اجتماع؛
- تحقیر پدر خانواده؛
- کاهش ازدواج؛
- افزایش طلاق؛
- بروز برخوردهای تخاصم‌آمیز میان زنان و مردان؛
- زیر سؤال رفتن برخی از سنت‌های دیرینه که بنیان ثبات اجتماعی بوده‌اند (همان).

در ادامه به صورت جزئی‌تر به پیامدهای منفی فمینیسم می‌پردازیم:

- طرفداران این مکتب بر این نظرند که مسیحیت به گونه‌ای ناامیدکننده، مردسالارانه است و هرگز نمی‌تواند از این مردسالاری رهایی یابد (Moore, 2015).
- 2. بی‌شک این دیدگاه افراطی، آسیب‌های فراوانی به دنبال خواهد داشت.
- ازدواج‌های غیررسمی و نامشروع، طلاق‌های پی‌درپی و تولد فرزندان نامشروع، فروپاشی نهاد خانواده، و... که جایگاه خانواده را به‌عنوان محل امنی برای ایجاد آرامش روحی و روانی جامعه، متزلزل کرده و تأثیر آن بر جامعه نیز آشکار شده است. فروپاشی خانواده، پیامدهایی دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: اشتغال والدین و گریز از مسئولیت عاطفی و تربیتی، کودکان سرراهی، وجود فرزندان تک‌والد، فناوری تولیدمثل یا پدیده مادران میانجی (مادرانی که با پذیرش نطفه دیگران، ظرف جنین شده، زحمت اجاره را متحمل می‌شوند و در قبال آن پول دریافت می‌کنند)، پرورش نسلی آسیب‌پذیر، خشونت‌گرا، غیراخلاقی، و نابهنجار؛

• بی معنا و پوچ شدن اخلاق در جامعه: به عبارت روشن تر، زمانی که ارزش های اخلاقی در یک جامعه از بین می روند، هنجارها شکسته شده و فساد و بی بندوباری به وجود می آید؛ برای نمونه، در بسیاری از کشورها، تجارت سکس انجام شده و از چهره، اندام، و صدای زنان در تبلیغات کالاها استفاده می شود و در واقع، زنان، کاربرد ابزاری پیدا کرده و برده سرمایه داران و بنگاه های اقتصادی می شوند؛ نتیجه اینکه، فمینیست ها در پی ایجاد استقلال اقتصادی برای زنان هستند و می خواهند سهمی از سرمایه های هر جامعه را به زنان اختصاص دهند، اما در رسیدن به این هدفشان شکست خورده و حتی جایگاه زنان را در خانواده متزلزل کرده اند (توفیقیان و افشون، ۱۳۸۸: ۷۹-۷۷). برخی از آنها در دیدگاهی افراطی معتقدند تمایز جنسیتی به دو جنس آسیب می رساند، ولی برای زنان، زیانبارتر است (Baber, 1995: 6-21).

اما با رویکردی آینده پژوهانه، موارد فراوانی در مورد نسبت میان خواسته های فمینیست ها و چالش های مرتبط با این خواسته ها در غرب مسیحی، قابل بررسی است؛ مواردی که در ساحت های انتزاعی و انضمامی مطرح می شوند و تشدید فضای سکولار حاکم که پیامد تغییر ماهیت و کارکرد دین در عرصه های اجتماعی است، از جمله آنها است؛ از همین رو، بی تردید خواسته های فمینیست ها، متناسب با تشدید قابل پیش بینی فضای یادشده، تغییرات بنیادینی داشته و موارد یازده گانه ای که مطرح شدند، نمود صریح تری خواهند یافت. از این رو، ضرورت دارد که فمینیست ها در هر دو حوزه سیاست گذاری اجتماعی و مبانی فکری، آسیب شناسی رابطه متقابل دین و اخلاق در غرب مسیحی، و احیای جایگاه کلیدی آنها در متن خواسته هایشان را در دستورکار قرار دهند تا جایگاه زن در آینده، نظام مندتر شود. تقویت ناموجه سیاست زدگی خواسته های فمینیست ها، سومین چالش فراروی این جنبش است. یکی از وجوه این چالش، فروکاسته شدن این خواسته ها به ماهیتی شعاری و ابزارگونه در گفتار و رفتار سیاستمداران غربی است؛ به گونه ای که در برخی موارد، به صورت ظاهری و صوری به مضمون های کتاب مقدس نیز استناد شده است. افراط و تفریط در دعاوی و مطالبات، چهارمین چالش احتمالی فراروی

فمینیست‌ها است. رعایت نکردن میانه‌روی در موارد ناموجه چهارگانه‌ای که مطرح شد، از یک سو، تشدید فساد و تزلزل ساختار خانواده و از سوی دیگر، ناکامی در رسیدن به مقاصد را در پی خواهد داشت. مورد بعدی اینکه تاکنون، خواسته‌های اصحاب فمینیسم در غرب، بیشتر بر امور انضمامی متمرکز بوده و همواره از مسائل بنیادینی مانند فطرت مشترک انسان‌ها — که در کتاب مقدس نیز مطرح شده است — در سیاست‌گذاری‌ها غافل بوده یا توجه کمی به آن داشته‌اند. مورد اخیر، مولد ششمین چالشی است که با رویکردی آینده‌پژوهانه، رویارویی فمینیست‌ها با آن محتمل است، یعنی تمرکز بر امور موردی و مقطعی و نه کلی و کلان. این مقوله، مرزهای این جریان را به لحاظ جغرافیایی و محتوایی، محدود و محدودتر خواهد کرد؛ به این معنا که بیشتر این خواسته‌ها نه ناظر به آینده و مقتضیات آن است و نه به لحاظ سطح و دایره شمول، بین‌المللی است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که در صورت پیگیری و تداوم این رویکرد، چالش جدی آن‌ها در آینده، فروکاسته شدن این خواسته‌ها از سطوح اجتماعی و بین‌المللی به سطوح فردی و ملی است.

۲. سناریوهای آینده زنان در جامعه ایران

همان‌گونه که اشاره شد، نوشتار حاضر در پی این است که پس از بررسی فمینیسم و ارتباط آن با پیامدهای جنبش پروتستان در غرب مسیحی، تحولات آینده فمینیسم در جامعه ایران را در نسبت با مقوله یادشده بررسی کند؛ بنابراین، از دو جنبه به آن خواهیم پرداخت: نخست، با رویکردی آینده‌پژوهانه و در قالب سه سناریو، آینده زنان در جامعه ایران را بررسی خواهیم کرد و سپس، بر مبنای تحلیل سناریوهای یادشده، راهبردهایی را در راستای سیاست‌گذاری در مورد تحولات آینده زنان در ایران ارائه خواهیم داد. در پیگیری موارد یادشده، توجه به موارد زیر اهمیت دارد.

۱. روندهای موجود در مورد زن در جامعه ایران؛

۲. روندهای مؤثر، پیشران‌ها، و رویدادها در ترسیم آینده زن در جامعه ایران؛

۳. ترسیم آینده‌های ممکن برای زن در جامعه ایران:

• سناریوی آینده مطلوب:

○ زن در بالاترین طراز زن اسلامی^(۱).

● سناریوهای آینده نامطلوب:

○ فمینیسم افراطی^(۲)؛

○ فمینیسم التقاطی

۲-۱. سناریوی آینده مطلوب

۲-۱-۱. زن در بالاترین طراز زن اسلامی

در این وضعیت ممکن، محوریت آموزه‌های اسلامی و انقلابی و نیز دغدغه تبیین و دفاع از حقوق زنان براساس مضمون‌های دینی، موضوعیت دارد. در این رویکرد، سیاست‌گذاران حوزه زنان، دین‌دارانی هستند که از پایگاه فطرت، یعنی کانون تلاقی ادیان، به مقوله زن پرداخته و بر آن هستند که مسائل مرتبط با حوزه زنان را از متن اسلام ناب، یعنی قرآن، سنت پیامبر، و سیره معصومین، به‌ویژه زندگی حضرت فاطمه (س)، استخراج و مستدل کنند. همچنین، آنچه از این سناریو برمی‌آید، بازتفسیر درون‌مایه‌های فمینیستی واردشده از غرب، برپایه مضمون‌های قرآنی، سایر نوشته‌های مرتبط با وحی در چارچوب فقه اصیل، و نیز فرمان‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری از دو منظر اعتقادی و ارزشی است، زیرا در صورت حاکمیت این سناریو در ایران، تصمیم‌سازی در حوزه زنان، در چارچوب واگرایی از مبانی فمینیسم غربی انجام خواهد شد و با طرد سوگیری فمینیستی، جامعه به سوی تحقق آرمان «مرد علوی و زن فاطمی» حرکت خواهد کرد. در صورت تحقق و حاکمیت این سناریو در آینده جامعه ایران، «زنان جامعه اسلامی با برخورداری از خودآگاهی اجتماعی، شناخت نقش و مسئولیت خویش، و تقویت علاقه‌مندی خود به جامعه و قانون‌پذیری، می‌توانند ضمن زدودن باورهای منفی و نادرست در مورد زنان با بهره‌گیری از تعالیم و باورهای دینی، مشارکت اجتماعی فعالی داشته و سهم اساسی‌ای در توسعه همه‌جانبه جامعه خود داشته باشند» (عیوضی و کریمی، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

۲-۲. سناریوهای آینده نامطلوب

۲-۱. فمینیسم افراطی

«از نگاه اندیشمندان اسلامی، گفتمان مدرن که با پرچم برابری زن و مرد فارغ از تفاوت‌های طبیعی به میان آمده است پیش از هر چیز، حقوق زنان را تباه می‌کند. چنانکه زنان در دنیای امروز با آن دست به گریبان‌اند» (خراسانی و...، ۱۳۹۷: ۱۹۵). لذا، زن سکولار، محصول سیاست‌گذاری در حوزه زنان در چارچوب تعبیری است که از آن با عنوان «فمینیسم افراطی» یاد می‌شود. در صورت حاکمیت این سناریو در آینده ایران، فمینیسم با درون‌مایه‌ای غربی شکل خواهد گرفت. «از نگاه اندیشمندان اسلامی، گفتمان مدرن که با پرچم برابری زن و مرد فارغ از تفاوت‌های طبیعی به میان آمده است پیش از هر چیز، حقوق زنان را تباه می‌کند. چنانکه زنان در دنیای امروز با آن دست به گریبان‌اند» (خراسانی و...، ۱۳۹۷: ۱۹۵). در این خوانش محتمل، به‌عنوان یک سناریوی ممکن، فمینیست‌ها در چارچوب آموزه‌های ایرانی و اسلامی، در پی بازتفسیر درون‌مایه‌های اسلامی خواهند بود تا با ادبیات فمینیستی غربی هماهنگ شود. در واقع، یکی از وضعیت‌های محتمل نامطلوب در مورد آینده فمینیسم در ایران، تثبیت رویه و تفسیر پروتستانی از فمینیسم مطابق با نسخه مسیحی آن در غرب است که محصول نادیده انگاشتن زمانه و زمینه‌های دینی، اجتماعی، و فرهنگی و تسری ساختار شریعت‌زدا یا شریعت‌گریز برآمده از پروتستانتیسم در غرب، به ساختار اسلامی شریعت‌محور در ایران خواهد بود که به‌معنای بومی‌سازی یک پدیده ناهمسان و ناسازگار است. در این صورت، فمینیسم و دغدغه‌های برآمده از آن براساس الگوی مسیحی، در ایران حاکمیت پیدا خواهند کرد؛ همان‌گونه که در غرب مسیحی، با وجود غلبه جمعیت کاتولیک، همین رویه حاکم است. در صورت حاکمیت این سناریوی نامطلوب، تثبیت دوباره عناصر مرتبط با وضعیت زنان در عصر پهلوی، محتمل خواهد بود؛ عناصری مانند بحران هویت و تحریف فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی (عیوضی، ۱۳۸۵: ۵۳).

۲-۲. فمینیسم التقاطی

ساختار وضعیتِ محتملِ حاضر، در بی‌ساختاری است. در این سناریوی نامطلوب، پیگیری دغدغه‌های فمینیستی در ایران از سوی صاحبان این حوزه از منظر مبانی نظری و زیرساخت‌های فکری، متکی به رویه منطقی خاصی نبوده و به لحاظ انضمامی نیز تهی از الگوی مدون است. در صورت تثبیت محتمل این سناریو، فمینیسم در ایران، فاقد پایگاه اجتماعی ثابت و منطبق با موازین بوده و به صورت متغیر، متأثر از جریان‌ها و رخدادها از یک سو و مبانی نظری سایر امور و پدیده‌های اجتماعی، از سوی دیگر خواهد بود. در این وضعیت، این تحولات منطقی‌ای و جهانی و رخدادهای بیرونی به صورت مقطعی و در چارچوب زمان و تاریخ هستند که مشخص‌کننده رهیافت به حوزه مطالعات زنان و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با آن هستند.

با توجه به چارچوب‌های اعتقادی و ارزشی در انقلاب اسلامی ایران، چنین رویکردی با اصل مردم‌سالاری دینی در تضاد بوده و فرجام شومی چون «استحاله فرهنگی» را در پی خواهد داشت، زیرا یکی از اصلی‌ترین خاستگاه‌های این سناریو، محوریت لذت‌جویی در سبک زندگی غربی است. «یکی از عواملی که سبک زندگی غربی، یا به اصطلاح مدرن، را برای جهانیان، جذاب جلوه داده است، محصولات یا فناوری‌های نوینی بودند که با تفکر مدرن، طراحی شده و البته سلیق انسان لذت‌جو نیز در آن‌ها لحاظ شده است» (هاشمی‌نژاد، عیوضی، حاجیانی، و گلجانی امیرخیز، ۱۳۹۷: ۷۶). لذا «فمینیسم به عنوان اندیشه‌ای برآمده از اومانیسیم و سکولاریسم غربی با نهضت دفاع از حقوق و کرامت انسانی زن در اسلام که مبتنی بر اندیشه‌های توحیدی است تضاد مبنایی دارد» (حکمت، ۱۳۹۱: ۶۱).

۳. راهبردهایی برای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری حوزه زنان در ایران برمبنای سناریوی مطلوب

در این بخش، پس از واکاوی ارتباط فمینیسم و پروتستانتیسم از رهگذر سیاست‌گذاری آینده‌پژوهانه در ایران معاصر، ضمن نقادی سناریوهای دوم و سوم

برای آینده زنان در ایران، بر سناریوی نخست، به‌عنوان وضع مطلوب، تأکید کرده و راهبردهای تحقق آن را بررسی خواهیم کرد. در واقع، این بخش برآمده از سناریوهایی است که به آن‌ها پرداخته شد؛ به‌این‌معنا که بر مبنای سناریوهای یادشده، توصیفی از وضع موجود در راستای ترسیم وضع مطلوب آینده وضعیت زنان در ایران ارائه شده و در ادامه، راهبردهای رسیدن به این وضعیت، ترسیم شده است.

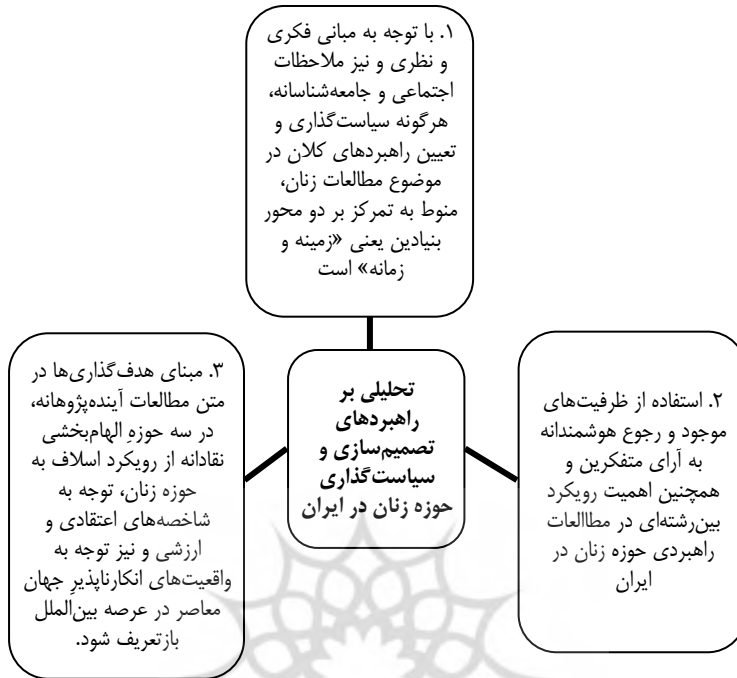
عملکرد جریان فمینیسم پس از انقلاب اسلامی، به دو دسته فعالیت‌های بسترساز و فعالیت‌های فمینیستی تقسیم می‌شود. جریان فمینیسم، پس از انقلاب اسلامی، از روش‌های مختلفی برای اثرگذاری بر جامعه هدف استفاده کرده است؛ روش محفلی، مطبوعاتی، ان‌جی‌آیی، شبکه‌ای و ائتلافی، استفاده از هنرهای نمایشی در پوشش مطالبات عمومی دموکراسی‌خواهانه، برگزاری کلاس‌های آموزشی، استفاده از فضای مجازی و سایبری، و... (شمسی و نصیری، ۱۳۹۵: ۴۰۸). با توجه به مبانی فکری و نظری و نیز ملاحظات اجتماعی و جامعه‌شناسانه، هرگونه سیاست‌گذاری در حوزه فمینیسم، منوط به تمرکز بر دو محور بنیادین، یعنی «زمینه و زمانه» است. در مقام آسیب‌شناسی، شاید تعریف و جایگاه فعلی زن در مطالعات فمینیستی ایران معاصر، پیامد نادیده‌انگاشته شدن یا کم‌رنگ بودن موضوع یادشده در متن سیاست‌گذاری‌ها باشد؛ بنابراین، ضرورت دارد که مبنای هدف‌گذاری‌ها در متن مطالعات آینده‌پژوهانه، در سه حوزه الهام‌گیری نقادانه از رویکرد پیشینیان به فمینیسم، توجه به شاخصه‌های اعتقادی و ارزشی (پیشگاهی فرد و قدسی، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۲۸)، و نیز توجه به واقعیت‌های انکارناپذیر جهان معاصر در عرصه بین‌الملل، بازتعریف شود. شاید مهم‌ترین چالش پیش رو در دو حوزه نخست، مقوله‌ای باشد که با وضعیت کنونی فمینیسم در غرب مسیحی قابل تطبیق است؛ به‌گونه‌ای که در مورد جنبش فمینیسم و در مقام تصمیم‌سازی ناظر به آینده، توجه به تفاوت در بسترهای فکری، دینی، و اجتماعی ضرورت دارد؛ به این معنا که مثلاً از منظر دینی به واگرایی انکارناپذیر مشی شریعت‌محور از پروتستانیتسم شریعت‌زدا توجه شود، زیرا هر دو، متناسب با زمینه

و زمانه‌ای که گفته شد، تثبیت شده‌اند؛ اگرچه سبک زندگی فعلی در غرب، برآمده از مبانی پروتستانی است که این مسئله با توجه به غلبه کاتولیک‌ها به لحاظ پراکندگی جمعیتی و دایره شمول جغرافیایی، قابل تأمل است.

در مورد مقوله سوم، یکی از دغدغه‌های اندیشمندان حوزه فمینیسم در ایران و جهان، سازوکار هماهنگ‌سازی قواعد جهان‌شمول حقوق زنان با سنت‌ها و فرهنگ‌ها یا خرده‌فرهنگ‌ها است. در این میان، استفاده از ظرفیت‌های موجود و رجوع هوشمندانه به آرای اندیشمندان اصیلی که در عین داشتن نگاه کلان و بین‌المللی، به حفظ سنت‌های یادشده نیز توجه دارند، ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین، بازشناسی دیدگاه‌های علامه طباطبایی، شهید مطهری، و علامه جعفری، در حوزه حقوق بشر و فمینیسم در مقام تسری رویکرد جهان‌شمول به حوزه سیاست‌گذاری فمینیستی، کارآمد است (نیکخواه قمصری، ۱۳۹۵: ۷۶-۱۷۵)، زیرا هم درصدد آسیب‌شناسی برآمده‌اند و هم به نظریه‌پردازی نزدیک شده‌اند (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰: ۹۰). در این صورت است که باورهای ناب بومی برآمده از فرهنگ اصیل دینی، محفوظ خواهد ماند. برای تحقق این هدف، توجه به بنیادها در کنار رویکرد انضمامی محض، اهمیت فراوانی دارد؛ بر این اساس، مفاهیم کلیدی فمینیسم با استناد به اصل اشتراک معنوی و توسل به فطرت ناب الهی انسان، به‌ویژه زن، در قالبی فراجغرافیایی و فراتاریخی بازتعریف خواهند شد.

برآورد نگاه راهبردی و درنهایت در پیش‌گرفتن رویکرد راهبردی در فرایند سیاست‌گذاری مطالعات حوزه زنان در ایران در قالب تصویر شماره (۱) قابل‌ارائه است.

شکل ۱. مراحل رویکرد راهبردی در فرایند سیاست‌گذاری مطالعات حوزه زنان در ایران



منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

مسئله زن و به تبع آن، جنبش فمینیسم، یکی از محوری‌ترین نقاط تلاقی دو رخداد مهم، یعنی رنسانس و نهضت اصلاح دینی در غرب است که تبعات منفی زیادی داشته است. همچنین، یکی از سرچشمه‌های سرمایه‌داری مدرن و بازتاب آن در رویکرد به زن و مقوله فمینیسم را باید در نهضت اصلاح دینی جست که قرائت جدیدی از جایگاه زنان ارائه می‌کند. اما کالبدشکافی و سنجش برخی آرمان‌ها و دستاوردهای جنبش زنان در غرب، مانند جواز سقط جنین، حق آزادی جنسی، همجنس‌خواهی، و... نیز از چالش مستقیم با آموزه‌های کتاب مقدس و کلیسا پدید آمده‌اند. درواقع، نهضت فمینیستی که در بستر مدرنیته پرورش یافته، ابزاری برای پیشبرد مقاصد سرمایه‌داران قرن هجدهم در اروپای غربی، و در تقابل با الهیات مسیحی بود.

افزون‌براین، تأثیر نهضت اصلاح دینی در غرب و الهیات لیبرال، از دو جنبه با آینده‌پژوهی در حوزه فمینیسم، قابل تطبیق است: نخست، وضعیت فمینیسم در غرب مسیحی معاصر که با وجود غلبه کمی کاتولیسیسم در جوامع غربی، این روح پروتستانتیسم است که به لحاظ فکری و اجتماعی، حاکمیت دارد که این مساله چالشهای زیادی در سبک زندگی انسان غربی ایجاد کرده است. این موضوع از تطبیق و مقایسه مضمون‌ها و کیفیت خواسته‌های غالب فمینیست‌ها با دعاوی کلیدی مسیحیت کاملاً مشهود است، اما جنبه دوم، آینده فمینیسم در غرب مسیحی به لحاظ مناسبات آن با پروتستانتیسم است. این‌گونه استنباط می‌شود که با توجه به کاهش نقش دین و تشدید روند عرفی شدن آن، باورهای فمینیستی‌ای مانند آزادی در حوزه‌های عمومی و خصوصی، رفع تبعیض، و تنوع و تکثرطلبی، دستخوش تغییرات ناخوشایند خواهند شد.

در مورد آینده سیاست‌گذاری حوزه زنان در ایران نیز چنان‌که گفته شد، با توجه به زمانه و زمینه‌های دینی، ارزشی و اجتماعی جامعه ایران، رسیدن به آرمان زن فاطمی، به واقعیت یادشده نزدیک‌تر بوده و بر مبنای راهبردهای کلانی که به آن اشاره شد، امکان‌پذیر است. لذا یکی از ضرورت‌هایی که سیاست‌گذاری در حوزه فمینیسم را تقویت خواهد کرد، اهمیت رویکرد بین‌رشته‌ای است، زیرا داشتن نگاه جامع و نظام‌مند ایجاب می‌کند که در راستای کاربردی شدن این سیاست‌ها و زودبازده شدن آن‌ها، ایجاد پیوند بین مطالعات حوزه زنان با سایر رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی و حتی حوزه‌ها دیگر پیش‌بینی شود؛ این مسئله در ایران معاصر، با توجه به مطرح بودن دو مقوله مهم سبک زندگی ایرانی-اسلامی و نیز علوم انسانی-اسلامی، بیش‌ازپیش مورد توجه است. بی‌شک، یکی از روندهای مؤثر بر تقویت آرمان یادشده، پیاده‌سازی دقیق راهبردها و فرمان‌های مقام معظم رهبری، پیگیری خواسته‌های ایشان و در نظر گرفتن ابعاد آن در سیاست‌گذاری‌های کلان است که تشریح جایگاه زن فاطمی در راهبرد کلان «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» یکی از این راهبردها است. نکته دیگر، مشخص کردن کیفیت نهادینه‌سازی «سبک زندگی ایرانی-اسلامی» بر مبنای جایگاه زن فاطمی در تحقق

این آرمان است. مقولهٔ دیگرِ مورد تأکید مقام معظم رهبری، کرسی‌های آزاداندیشی و تقابل با جنگ نرم است که در رسیدن به الگوی بی‌بدیلِ زن فاطمی، تأثیرگذار خواهد بود، اما وجه آینده‌پژوهانهٔ این سناریو، تأکیدهای مقام معظم رهبری در «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴» است. ایشان در این سند به نکته‌هایی مانند موضوع عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی، نهاد مستحکم خانواده، جامعه اخلاقی، و... اشاره کرده‌اند که در رسیدن به مطلوبِ زن فاطمی در ایران اسلامی، تأثیر بسزایی دارند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها

۱. تعبیر مقام معظم رهبری در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س)، ۱۳۹۵/۱۲/۲۹.
۲. تعبیر مقام معظم رهبری در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.

منابع

- اعزازی، شهلا (۱۳۸۵)، مجموعه مقالات فمینیسم و دیدگاه‌ها، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- پیشگاهی فرد، زهرا و قدسی، امیر (۱۳۸۹)، «نظریه‌های فرهنگی فمینیسم و دلالت‌های آن بر جامعه ایران»، زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۰۹-۱۳۲.
- توفیقیان، خدیجه و افشون، مهدی (۱۳۸۸)، «فمینیسم در ترازوی نقد»، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، شماره سوم، صص ۵۹-۹۲.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۰)، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بر یکدیگر، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ایران.
- شمسی، عبدالله و نصیری، علی اصغر (۱۳۹۵)، فمینیسم در ایران معاصر، تهران: زمزم هدایت.
- طالبی، مسعود (۱۳۸۴)، «نقش کتاب مقدس و ارباب کلیسا در ظهور فمینیسم (قسمت اول)»، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره (۲۸)، صص ۲۱۱-۱۷۵.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۵)، «انقلاب برای زنان»، ماهنامه زمانه، شماره ۴۸، ص ۵۳.
- عیوضی، محمدرحیم و کریمی، غلامرضا (۱۳۹۰)، «مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اجتماعی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۶۶-۱۳۳.
- نیکخواه قمصری، نرگس (۱۳۹۵)، «تأملی در نسبت فمینیسم با انقلاب اسلامی ایران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره دهم، شماره ۱، صص ۱۸۳-۱۶۳.

هاشمی نژاد، سهراب؛ عیوضی، محمدرحیم؛ حاجیانی، ابراهیم و گلجانی امیرخیز، ایرج (۱۳۹۷)، «سناریوهای آینده خانواده در ایران»، فصلنامه شورای فرهنگی-اجتماعی

زنان و خانواده، دوره ۲۱، شماره ۸۱، صص ۸۲-۴۷.

Baber, H.E. (1995), "Feminism and Christian Ethics", *Department of Philosophy*, University of San Diego.

McGrath, Alister E. and Marks Darren C. (2004), *The Blackwell Companion to Protestantism*, Blackwell.

Moore, Rebecca. (2015), *Women in Christian Traditions*, Series: Women in Religions, NYU Press.

Offen, Karen. (1988), *Defining Feminism: A Comparative Historical Approach*, University of Chicago Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی